



کارنامه نامه فرهنگستان و چشم انداز آن

اینک که انتشار دوره‌های دهگانه نامه فرهنگستان را پشت سر گذاشته و با نشر شماره ۴۱ و شماره حاضر به دوره یازدهم آن رسیده‌ایم، به جا و به موقع دیدیم که نظری به فرآورده گذشته بیفکنیم و کمبودها و نارسایی‌های خود را بسنجیم و چشم انداز کارهای آینده را ترسیم کنیم.

چهل شماره دوره‌های دهگانه این فصلنامه علمی-پژوهشی، جمعاً در بیش از ۹۰۰۰ صفحه، حاوی مقاله‌ها، نقد و بررسی‌ها، و گزارش‌های عموماً مربوط به زبان و ادب فارسی و زبان‌های ایرانی است که سیاهه جامع آنها در فهرست راهنمای ده دوره نامه فرهنگستان (۱۳۷۴-۱۳۸۸) (ضمیمه شماره ۴۲ نامه فرهنگستان) مندرج است. محققان و استادان و اعضای هیئت علمی و دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌ها و پژوهشگران کنونی و سابق فرهنگستان با ما همکاری قلمی داشتند. در میان آنان، محققان و ادیبان و زبان‌شناسان سرشناسی چون ایرج افشار، نصرالله پورجوادی، احمد تفضلی، حسن حبیبی، غلامعلی حدّاد عادل، محمد خوانساری، محمدتقی دانش‌پژوه، علی رواقی، بهمن سرکاراتی، علی اشرف صادقی، بدرالزمان قریب، یحیی ماهیار نوابی، فتح‌الله مجتبائی، احمد مهدوی دامغانی، ابوالحسن نجفی و پژوهشگران و منتقدانی چون سید علی آل داود، حبیب برجیان، نجیب مایل هروی، محمدعلی موسوی، مصطفی موسوی شاخص‌اند. اعضای برجسته هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی از جمله دانشگاه‌های ارومیه، اصفهان، پیام نور، تبریز، تهران، شهید بهشتی، شیراز، فردوسی مشهد،

گیلان، همدان، و پژوهشگاه علوم انسانی به نشر آثار خود در این مجله توجه خاص نشان داده‌اند و احیاناً آن را محلّ شایسته‌تر و مناسب‌تری برای درج مقاله‌های خود تشخیص داده‌اند. محققان ایرانی و غیر ایرانی مقیم کشورهای دیگر به ویژه کشورهای هم‌زبان نیز، با ارسال مقاله‌ها و گزارش‌ها، علاقه خود را به این نشریه نشان داده‌اند. ترجمه آثار ایران‌شناسان بزرگی چون بازورث، دارمستیر، زیپولی، ژینیو، سیلویستر دو ساسی، فوشه کور، لیوشیتس، مکینزی، مینورسکی، نیکیتین، هاور پورگشتال، هنینگ در شماره‌های متعدّد این مجله درج شده است. نامۀ فرهنگستان در مراکز علمی ایران و خارج از کشور نام و آوازه‌ای درخور یافته است. کوشش شده است، در مباحث تحقیق و نظریه و نقد ادبی، مکاتب و آراء معتبر به جامعه ادبی ایران معرفی شود و، از این راه، سطح معلومات نظری پژوهشگران جوان ارتقا و ذوق و شمّ آنان پرورش یابد. در این زمینه، نوشته‌هایی در نامۀ فرهنگستان درج شده است حاوی آرائی که در جامعه فرهنگی ما، نخستین بار از منابع اصیل و دست‌اول نقل و به زبان روشن گزارش شده‌اند و توجه صاحب‌نظران را جلب کرده است.

در جنب شماره‌های مجله، ضمیمی در متون متعدّد زبانی و ادبی و نقد و نظر منتشر شده است. شمار این ضمیمه‌ها تاکنون به ۴۴ بالغ شده که برخی از آنها به صورت رساله و کتاب عرضه شده‌اند.

در هر حال، گردانندگان این مجله همواره در بند آن بوده‌اند که، با نشر نتایج پژوهش‌های محققان و تراوش‌های فکری و ذوقی آنان، سطح دانش و فرهنگ خوانندگان را بالا برند و آنان را در تمیز سره از ناسره، اصیل از عاریتی، برزسته از برسته، معتبر از نامعتبر، نو از کهنه، لعل از خزف بیش از پیش مجهّز سازند. دوره‌های مجله از این حیث گنجینه پرارزشی است که در نشریات ما کمتر نظیر دارد.

نامۀ فرهنگستان یگانه مجله‌ای است که، در پرتو سطح و وزن و اعتبار خود، توانسته است به حدّ مقبول و موجه از جنب محدودیّت‌های مقرر برای نشریات علمی - پژوهشی ما معاف بماند و، از این حیث، نرمش وزارت علوم و تحقیقات و فناوری درخور ستایش و سزاوار قدردانی است.

نامۀ فرهنگستان این موقّیّت درخشان را بیش از همه مرهون راهنمایی‌ها و تذکرات اعضای هیئت تحریریه است - نهادی که، به خلاف بیشتر هم‌تایان خود در نشریات علمی - پژوهشی،

جنبه صرفاً تشریفاتی ندارد و در تعیین سیاست و خط مشی مجله و انتخاب و ارزیابی مقالات و نقد مندرجات و گوشزد ساختن نارسایی‌های آن، به جد سهیم و دخیل است.

با همه این مزایا و محاسن، مندرجات نامه فرهنگستان هنوز از آنچه از مرجع معتبر علمی می‌توان توقع داشت کمابیش فاصله دارد. مجله در منعکس ساختن سیاست راهبردی فرهنگستان نتوانسته است با کفایت تمام ایفای نقش کند. از جمله، در آن، خُرده‌پژوهش‌ها غلبه دارد؛ مقاله‌ها در مجاری مطلوب هدایت نشده‌اند؛ دستاوردهای برجسته در حوزه‌های تحقیق و نظریه و نقد ادبی به قدر کافی شناسانده نشده‌اند؛ رویکردهای نادرستی که حتی گاه به قلم سرشناسان عرصه ادب القا می‌شود و نسل جوان را به کجراهه و بیراهه می‌کشاند افشا نشده است؛ در پرداختن به فراورده‌های گفتمانی که از طریق فناوری‌های نوین نشر می‌یابد قصور شده است. مجله می‌توان گفت هنوز نتوانسته است ذایقه نسل جوان را به دست آورد و در تلطیف آن به شایستگی مؤثر باشد.

نامه فرهنگستان، هرچند نشریه‌ای به اعتباری دُشگوار شمرده می‌شود، بیش از آنچه هست امکان نفوذ در نسل جوان و وسعت بخشیدن به جمع علاقه‌مندان و رونق دادن به بازار خود را دارد. متأسفانه توزیع آن، همانند توزیع همه نشریات دانشگاهی، حتی در مراکز علمی و محافل فرهنگی به هیچ‌رو رضایت بخش نبوده است. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و دانشجویان زبده مقاطع متعدد، که مشتریان مفروض و متعدد این مجله‌اند، عموماً از وجود آن بی‌خبر مانده‌اند یا با نوع مندرجات آن آشنا نگشته‌اند و یا چشم به راه اهدای آنند. قابل تصور نیست مجله‌ای که میانگین حجم آن و ضمایم آن در سال از ۱۵۰۰ صفحه پروپیمان تجاوز می‌کند، با وجه اشتراک متوسط ۱۲۰,۰۰۰ ریال برای هر دوره سالانه، آن هم در کشوری که بیش از یک میلیون دانشجو و چندین و چند هزار عضو هیئت علمی دارد و شمار شهرهای بیش از صد هزار جمعیتی آن به هزاران می‌رسد، فقط تیراژ متوسط دوهزاری داشته باشد. کتابخانه‌های دانشگاه‌ها همچنین مراکز فرهنگی از جمله کتابخانه‌های شهرداری‌های تهران و کلان‌شهرها و دیگر شهرهای کشور عموماً مشترک این مجله و اصولاً نشریات علمی-پژوهشی نیستند و این تنها نشانه کم‌اعتنائی این سازمان‌ها به شئون فرهنگی نیست، نمودار غفلت ما از برانگیختن حساسیت و نشان دادن اهمیت و نقش نشریات معتبر در ارتقای سطح فرهنگی جامعه و رها ساختن آن از گرایش به فراورده‌های در سطح نازل و

حتّی مبتذل نیز هست. به خصوص شهرداری‌ها و فرهنگسراها، با امکانات مالی وسیعی که در اختیار دارند، هرگاه عمل هم‌تاهای خود در ممالک راقیه را سرمشق قرار دهند، می‌توانند نشریات دانشگاهی را نه تنها مشترک شوند بلکه ترویج کنند.

به هیچ وجه پذیرفتنی نیست که حتّی گنجینهٔ عموم کتابخانه‌های دانشکده‌های زبان و ادبیات و علوم انسانی از نشریات متعلّق به حوزه‌های علمی خود آنها خالی باشد و جملگی در انتظار آن باشند که این کالاهای فرهنگی به آنها اهدا شود. با توجّه به شمار چندهزاری گروه‌های این رشته‌ها، برآوردن چنین توقّعی، در واقع، متضمّن آن خواهد بود که مجموع نسخه‌های هر شماره از نشریّه اهدایی باشد.

با توجّه به مراتب قوّت و ضعف کار ما در گذشته، چشم‌انداز آینده را با خصوصیاتِی به شرح زیر در برابر نظر داریم:

– در پذیرش مقاله‌ها، وفق آنها با طرح‌های مصوّب فرهنگستان در حوزه‌های گوناگون ملاک اصلی خواهد بود. برای مقاله‌هایی اولویّت قایل خواهیم شد که در چارچوب این طرح‌ها قرار گیرند و بتوانند مستقیم یا غیر مستقیم به اجرای آنها کمک کنند.

– به خلأهایی که وجود آنها در تحقیقات ادبی احساس می‌شود توجّه خاص خواهیم داشت. مقاله‌هایی که برای نشر در مجلّه ارسال می‌شوند نوعاً به راه‌هایی کشانیده شده‌اند که تا حدّ قابل قبولی هموار گشته‌اند و، در تحقیقات، راه‌های ناپیموده یا ناهموار نادیده گرفته شده‌اند. مثلاً دربارهٔ چهره‌های ادبی شاخصی چون نظامی و جامی کمتر نوشته می‌شود؛ در حوزهٔ مواد و منابع تاریخ ادبیات – تذکره‌ها، جُنگ‌ها، تحقیقات ایران‌شناسان – کمتر پژوهش جدّی صورت می‌گیرد؛ به انجمن‌ها و محافل ادبی که به ابتکار و حمایت شاهزادگان قاجار در قلمرو حکومت آنان همچنین به همّت رجال ادب‌پرور یا شخصیت‌های ترقّی‌خواه در مراکز مهمّ شهری تأسیس می‌شد و در ترویج ادب فارسی و تشویق ادبا و شاعران و پرورش متذوّقان نقش مؤثّر داشت توجّه نمی‌شود؛ در حوزهٔ ادبیات معاصر، به خصوص نوشته‌های مطبوعاتی در سایه قرار گرفته‌اند؛ به نوشته‌هایی که در فضای مجازی منتشر می‌شوند و بعضاً مایه‌ها و عناصر ادبی تازه‌ای در بر دارند و شایستهٔ ماندگاری‌اند بی‌اعتنایی می‌شود؛ شاعران پارسی‌گویِ شهرستان‌ها گمنام مانده‌اند یا درست شناخته نشده‌اند؛ فعّالیّت‌های ابتکاری مؤثّری که به خصوص

به همّت جوانان فرهیخته، در گوشه و کنار ایران زمین، برای ایجاد مراکز فرهنگی در برپا داشتن مجامع و مجالس ادبی صورت گرفته به شایستگی معرفی نشده است. نامه فرهنگستان جبران این کمبودها را در برنامه کار خود خواهد گنجاند.

– در پذیرش و نشر خُرده‌پژوهش‌ها، سهمی که برای کمک به اجرای طرح‌های بزرگ بتوانند کسب کنند ملاک عمده خواهد بود.

– نوشته‌هایی صرفاً حاوی مواد خام گردآوری شده از منابع، آن هم مآخذ عموماً دست‌چندم، و فاقد نظر تازه و تحلیل ارزشمند نباید انتظار پذیرش و نشر در نامه فرهنگستان داشته باشند.

– نوشته‌هایی که بیشتر صبغه تقریرات درسی دارند و محتوای آنها کلاً یا عمدتاً در مقوله مواد درسی قرار می‌گیرد مقاله علمی-پژوهشی تلقی نخواهند شد به خصوص که عموماً سوادبرداری از ترجمه‌ها منجمله ترجمه‌های نامطمئن‌ترند و گزارش منسجم و جامع و دقیق و روشنی از آراء و افکار در آنها نمی‌توان سراغ گرفت.

– نوشته‌هایی می‌توان گفت قالبی و کلیشه‌ای که این روزها در فرآورده‌های قلمی دانشجویان رشته زبان و ادب فارسی باب شده، از نوع «صور خیال در اشعار فلان شاعر» از حسن قبول برخوردار نخواهند شد.

نامه فرهنگستان بیشتر پذیرای مقاله‌ها و گزارش‌هایی خواهد بود که خلأها را پر کنند، راه تازه‌ای بگشایند، راه‌های ناپیموده را بیمایند، راه‌های ناهموار را هموار سازند، القصه سهم ملموسی در بالا بردن سطح تحقیقات ادبی داشته باشند. این مجله منجمله خواستار آن است که توقعات علاقه‌مندان را در مرتبه بالاتری برآورد؛ آنان را با جریان‌های نو در جهان ادب آشنا سازد و این جریان‌ها را با عمق و کفایت درخور بشناساند؛ نسل جوان را از آسان‌جویی و آسان‌خواهی و ابتدال‌گرایی دور سازد؛ سطح فرهنگی و فکری و ذوقی جوانان را ارتقا بخشد؛ و آنان را از شیفتگی به اقوال سطحی فریبکاران بُنجل فروش فارغ سازد.

امید است با همکاری جدی‌تر ارباب ذوق و دانش، در راه این مقاصد شریف، توفیق رفیق ما گردد.

سردبیر

